2

بنام خدا

مرتضی کاظمی

 متولد 14 اردیبهشت ماه 1323 شیراز

تحصیلات ابتدائی ومتوسطه را در تهران بپایان رساندم

یعداز اخذ دیپلم در رشته ریاضی بمدت دوسال در دانشگاه ملی (شهید بهشتی ) در رشته آرشیتکت (معماری) مشغول گردیده وامور مربوط به نقشه کشی ونقشه خوانی وپرسپکتیو را بخوبی آ موختم ولی بعللی قبل از اتمام دوره عازم ایالات متحده گردیدم البته با علاقه ای که بیادگیری زبان بخصوص انگلیسی داشتم (با فرانسه وعربی نیز آشنائی دارم )در تمام مدت تحصیلات دبیرستانی با گرفتن معلم وشرکت در کلاسهای متعدد از جمله انجمن ایران وامریکا انگلیسی ام در حدی بود که دیگر نیازی برفتن کلاس زبان نبوده ویکراست بدانشگاه میسوری رفته درآنجا دررشته برق مشغول و فارغ التحصیل شدم (معادل کارشناسی)

پس از آن باستخدام شرکتی که تولید کننده حافظه رایانه بنام (یونی وک) بود در آمدم وبرای اولین باربود که در جائی مشغول بکار شدم که برایم بسیار آموزنده بود وضمنا همزمان بادامه تحصیل دررشته الکترونیک در دانشگاه مینه سوتا پرداخته ومدرک معادل کارشناسی ارشد را دریافت نمودم جالب بود که علاوه برمرخصی روزانه درزمانی که کلاس داشتم ، کلیه هزینه تحصیلم را شرکت مذکور تقبل نمود البته شاید باین علت که که باخلوص نیت برایشان کارمیکردم واز من رضایت کامل داشته ومیخواستند هرطوری بود من را در شرکتشان نگه داشته وسرنوشت دیگری برایم رقم زده شود . .

 ولی علی الرغم همه امکانات که در اختیارم بود تصمیم خودرا برای برگشتن بمیهن گرفته وبالاخره از آن شرکت بسختی وعدم خشنودی و رضایت آنان استعفای خودم را تقدیم باعزمی راسخ وعشق وافر بایران مراجعت نمودم.

بمحض رسیدن بایران برای اینکه وقتی تلف نکرده باشم ومدتی هم دچار بلاتکلیفی برای گرفتن معافیت از خدمت که امکانش بود نرفته و برای انجام آن ثبت نام نموده وکارت آماده بخدمت دریافت وپس از مدت بسیار کوتاهی اعزام گردیدم.

چهار ماه اول آموزشی را در پادگان فرح آبادتهران گذراندم وسپس با توجه برشته تحصیلی واطلاعاتی که داشتم مامور بخدمت در دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز شدم که قرار بود آموزشگاه فنی الکترونیک رادر جاده فرودگاه شیراز با بهترین امکانات مدرن تاسیس نمایند که منهم جزء کادر بنیان گذاران این موسسه درآمدم وپس از بیش از یکسال زحمت وتلاش همگان تکمیل افتتاح و راه اندازی شد .در ضمن برای اینکه فراموش نکنیم که هنوز افسر وظیفه هستیم پنچشنبه ها یکی دوساعت در پادگان شیراز بصف شده وبپرچم ادای احترام کرده وسپس بدانشکده مراجعت میکردیم وخلاصه برخلاف تصور خدمت نظام خیلی راحت وآموزنده واز بهترین دوران زندگیم بود

اواخر سال 1349 سفری ببوشهر داشتم که همانطوریکه نوشته ام بدنبال راه اندازی کارخانه قدیم اعتمادیه افتادم وبا تلاش فراوان کارخانه را نوسازی وراه اندازی نمودیم .که کل ماجرا دریاداشتهایم بوده ونیاز چندانی بتکرار نباشد .

بهرحال در مرحله اول باسمت مدیر کارخانه (آچارفرانسه ) وریاست هیئت مدیره مشغول شدم علاوه بر انجام امور کارخانه مدت پنج دوره افتخار عضویت در هیئت نمایندگان اتاق بوشهر را داشتم و همچنین مدتی بیش از سی سال ریاست انجمن مدیران صنایع بوشهر را بعهده داشتم .مدتها نیز عضوکمیسیون تامین اجتماعی ونماینده کارفرمایان در کمیته اشتغال استان بودم .

در این مدت بارها الواح واحدتولیدی نمونه ومدیریت وکارفرمای نمونه در سطح کشوررا دریافت نموده ونهایتا آخرین لوح را بعنوان شهروند افتخاری وماندگار از اتاق محترم بازرگانی وصنایع ومعادن وکشاورزی بوشهر دریافت نمودم

کارخانه متاسفانه متوقف گردید که توضیح داده شده ولی شرکت اعتمادیه هنوز برقرارومنحل نشده است ومنهم پس از نیمقرن هنوز مدیر عامل هستم وامیدواریم که موقعیتی پیش آمده تا مجددا چراغ آنرا روشن نمائیم.

 در حال حاظر بعلت مشکلات سلامتی ونیازمدام بدکترودرمان اجبارا بیشتر اوقات رادر خارج از ایران بسر میبرم.